«ایران» اظهارات اخیر مقامات عالی کشور را با کارشناسان به بحث می‌گذارد

الزامات عبور از وضعیت نه جنگ نه صلح

گزارش

گروه سیاسی

ضرورت برون رفت از وضعیت «نه جنگ و نه صلح» محور یادداشت‌های دبیر کل حزب همبستگی، یک روزنامه نگار پیشکسوت و یک پژوهشگر جامعه‌شناسی اقتصاد در حمایت از مواضع مسئولان عالی کشور است. این ضرورت ناظر بر مصالح کلان کشور است، مصالحی که رهبر شهید نیز در میانه جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه بر آن تاکید کرده بودند. چنین تاکیدی، بیش از هرچیز ناظر بر این حقیقت است که بخشی از وضعیت کشور، ناشی از تحمیل دشمن است، دشمنی که درپی تحمیل تسلیم یا شکست بر ایران اسلامی است. اما درست در چنین میدانی است که مسئولیت یا ماموریت مسئولان کشور معنادار می‌شود. زیرا آنچه انتظار می‌رود، این واقعیت است که بدون تن در دادن به برنامه‌های دشمن، اعم از تسلیم و نیز با مقاومت و ایستادگی مقابل تلاش‌های دشمن برای تحمیل شکست به این سرزمین، باید برنامه‌ها و راهبردهای متنوعی را برای مهار برنامه‌های دشمن، به‌ویژه برای برون‌رفت از وضعیت «نه صلح، نه جنگ» که یکی از برنامه‌های دشمن است، طراحی و اجرا کنند. سخنان مسئولان عالی‌رتبه ایران را باید در همین راستا ارزیابی کرد. هرچند در نگاه آنان، نوعی پاسخگویی و تبیین و توضیح برای طیف‌های متعدد سیاسی و اجتماعی ایران نیز دیده می‌شود، اما دال مرکزی سخنان آنان، تبیین شرایط و تنویر اذهان ایرانیان برای برنامه‌های کلانی است که ایران برای مواجهه با توطئه‌های مختلف و متنوع دشمنان طراحی کرده است. سخنان دیروز مسعود پزشکیان مبنی بر اینکه ایران در شرایط فعلی پیروز جنگ و در موقعیت عزتمندانه است و لذا شرایط فعلی برای پایان دادن به جنگ مناسب است و نیز سخنان باقر قالیباف، رئیس مجلس که از ضرورت توجه همزمان به دو بال توسعه ایران، یعنی امنیت و اقتصاد گفت، ناظربر چنین راهبردهایی است. یعنی به صورت همزمان؛ تبیین برای نیروهای خودی و نیز تصریح به دشمن که نقشه جدید او، یعنی «نه جنگ، نه صلح» تحمل نخواهد شد.

تسری توفیقات نظامی به عرصه تاب آوری و توفیقات اقتصادی

مینا شیروانی ناغانی
پژوهشگر جامعه‌شناسی اقتصادی

مسأله چگونگی تسری توفیقات عرصه نظامی به حوزه تاب‌آوری، ایجاد توفیقات اقتصادی و عدالت اجتماعی در کنار مسأله فشار محیط بیرونی و نیز چالش های درونی متوجه جامعه، دو روی یک سکه‌اند. وضعیت پیچیده و پویای کنونی، این سوال را ایجاد می کند که چگونه جامعه‌ای که در انتظار یا در کشاکش بحران‌های متعدد زیسته، می‌تواند از چرخه فرسایش بیرون آید و مزایا و چالش‌های ژئوپلتیکش را به بازتولید پایدار زندگی روزمره و خلق امید در جامعه پیوند زند؟ در نگاه جامعه‌شناسی اقتصادی این دریچه تنها از متغیرهای کلان صرف چون؛ ارز، سرمایه‌گذاری، رشد تولید و... نمی‌گذرد، بلکه در زنجیره‌ای جای دارد که از سطح دولت تا عدالت، ادراک شده و امکان زیست مطلوب، ولو در شرایط دشوار امتداد می‌یابد، زنجیره‌ای که حلقه‌های میانی آن در تحلیل‌های صرفاً اقتصادی اغلب نادیده گرفته می‌شوند.

در راستای ترسیم وضعیت، باید روشن کرد که گرچه صاحب‌نظران و تحلیلگران داخلی و خارجی به پاسخ و مقاومت ایران در عرصه نبرد صحه گذاشته‌اند، ولی پرداختن به مقاومت حماسی ایران نباید ما را از چاره‌اندیشی درباره مسائل در شرایط پویای فعلی و زمانی که هنوز نبرد پایان نپذیرفته و نیز ثمره این مقاومت نیز باید در سایر ساحات اجتماعی جاری و ساری شود، باز دارد.

هر چند در این برهه و شرایط موجودیتی، باید منصفانه به تبعات اقتصادی اندیشید، اما واقعیت این است که میان میدان نبرد و اقتصاد جامعه، زنجیره‌ای از نهادها، بازارها، شبکه‌های اجتماعی، انتظارات، نظام توزیع، اشتغال، دستمزد و اعتماد قرار دارد. اگر این حلقه‌های میانی به خوبی فعال نشوند، ممکن است کشور از میدان جنگ با پیروزی خارج شود، اما جامعه همچنان از مطلوب‌های اقتصادی خود فاصله داشته باشد. البته عدم گسست چرخه تولید و توزیع و مصرف در شرایط جنگی، نکته قابل تحسینی بود که اتفاقا استمرار فشارهای خارجی آن را هدف قرار داده است.

فارغ از تدابیر اقتصادی که اقناع مردمی، اجماع در سطوح نخبگی و سیاسی، هماهنگی بین بخشی و نیز هماهنگی در سیاست‌های صنعتی و پولی و مالی در سطوح مدیریت کلان کشور را می‌طلبد، جامعه‌شناسی اقتصادی توجه را به این پرسش معطوف می‌کند که این متغیرها چگونه وارد زندگی اجتماعی می‌شوند؟ درآمد ارزی دولت زمانی اهمیت اجتماعی پیدا می‌کند که بتواند این تلقی را ایجاد کند که این موارد هزینه تولید و واردات را کاهش دهد، تولید را فعال کند، اشتغال ایجاد کند، دستمزد واقعی را افزایش دهد و در نهایت قدرت خرید خانوار را بالا ببرد. به همین دلیل، عمیق‌ترکردن پیوند میان گشایش سیاسی و بهبود زندگی همان جایی است که باید اقتصاد را در متن روابط اجتماعی و نهادی آن مطالعه کرد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای وضعیت نه جنگ و نه صلح، که به نظر می‌رسد یکی از راهبردهای امروز دشمن است، کوتاه‌شدن افق زمانی جامعه و رواج شایعات است. وقتی خانوار احتمال مشکلات بعدی، قیمت ارز، هزینه مسکن یا از دست رفتن شغل را در ذهن دارد، رفتار اقتصادی آن از حالت توسعه‌ای به حالت مدیریت هر روزه تغییر می‌کند. در این شرایط احتمالا خریدبرخی از کالاها به تعویق می‌افتد، برخی ازدواج‌ها و فرزندآوری عقب می‌افتد، سرمایه به سمت طلا، ارز و دارایی‌های فیزیکی می‌رود و پس‌انداز به جای آنکه منبع سرمایه‌گذاری باشد، به ابزار حفاظت در برابر نگرانی‌ها تبدیل می‌شود. بنگاه‌ها نیز در چنین فضایی به جای سرمایه‌گذاری بلندمدت، احتمالا نقدینگی خود را حفظ می‌کنند و از تصمیم‌هایی که بازگشت سرمایه آنها به چند سال زمان نیاز دارد، پرهیز می‌کنند. بنابراین یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مدیریت تنش، نه صرفاً ورود سرمایه خارجی، بلکه بازگرداندن قابلیت پیش‌بینی به زندگی اقتصادی و امکان بهره‌برداری سرمایه داخلی است.

البته از منظر «گرانوونتر»، بازارها موجودیت‌هایی مستقل از روابط اجتماعی نیستند، بلکه در شبکه‌های اجتماعی و نهادی حک شده‌اند. این نکته برای فهم اقتصاد ایران اهمیت زیادی دارد. لذا سرنوشت متغیرهای اقتصادی، به شبکه توزیع، روابط تولیدکننده و واسطه، نظام قیمت‌گذاری، سیاست یارانه‌ای، دسترسی به اعتبار و انتظارات فعالان اقتصادی نیز بستگی دارد. در شرایط دشوار صادرات و تأمین ارز فشار بیشتری برای کنترل بر این سامانه اقتصادی وارد می‌شود، احتمالا تبادلات غیر مستقیم افزایش می‌یابد و تحلیل اینکه ارز وارد شده از چه شبکه‌ای عبور کرده و چه مقدار هزینه جانبی افزایش و چه مقدار از آن در نهایت می‌تواند سهم خانوارها گردد نیز مسأله پیچیده‌ای می‌شود و سیاست‌گذار و مردم را در شرایط ابهام قرار می‌دهد.

از منظر «کارل پولانی» نیز اقتصاد را نمی‌توان از جامعه جدا کرد. مسکن، غذا، درمان، آموزش و انرژی صرفاً کالاهایی برای مبادله نیستند؛ آنها بخشی از شرایط بازتولید زندگی اجتماعی‌اند. هنگامی که قیمت این کالاها در شرایط فرسایش و عدم تعادل عرضه و تقاضا به علت فشار بر تبادلات تجاری با سرعت بیشتر از درآمد افزایش یابد، چالش‌های اقتصادی به چالش بازتولید اجتماعی تبدیل می‌شود. بنابراین فرصتی نیاز است که سیاست اقتصادی پس از بحران میان نقش دولت، سازوکار بازار و نیازهای اساسی جامعه تعادل برقرار کند. برای جلوگیری از تسری چالش‌های اجتماعی به بخش‌های بیشتر جامعه، لازم است که گفتمان اقناعی در سطوح مختلف از سوی دولت و دیگر حوزه‌ها، تعریف و دنبال شود، همبستگی اجتماعی افزایش یابد و تمام راه‌های خروج از چالش، آزموده و صراحتاً به جامعه رسیده باشد و نخبگان جامعه در این مسیر یاریگر بخش عمومی، یعنی دولت و نیز مردم باشند.

وضعیت نه جنگ و نه صلح که امروز دشمن درپی تحمیل آن به ایران است را باید بیش از یک وضعیت ژئوپلتیک، یک وضعیت اجتماعی دانست؛ وضعیتی که در آن انتظار مشکلات بعدی به بخشی از زندگی روزمره تبدیل می‌شود. اقتصاد در چنین شرایطی هر روز برای بقا تصمیم می‌گیرد، اما توان ساختن فردا را از دست می‌دهد.

برای همین است که تلاش برای خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» نه تنها به راهبرد مسئولان ارشد تبدیل شده است، بلکه می‌بایست این تلاش مسئولان برای برهم زدن طرح جدید نیروهای بیگانه و متخاصم، از حمایت گسترده طیف‌های سیاسی و اجتماعی نیز برخوردار باشد.

در نهایت، پیروزی واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که آثار پایداری و مقاومت در چالش ژئوپلتیک، از سطح دولت و بازارهای مالی عبور کند و به زندگی روزمره برسد. برای کاهش نااطمینانی نسبی در جامعه، باید انگیزه و امید به سرمایه‌گذاری و تولید، ثبات دستمزد واقعی و حفظ قدرت خرید و در نهایت بازسازی اعتماد صورت پذیرد. اگر این زنجیره گسسته بماند، ممکن است جنگ در میدان پایان یافته باشد، اما آثار جنگ در رفتار اقتصادی مردم ادامه پیدا کند.

پیروزی نهایی آن نیست که جامعه فقط از بحران به سلامت عبور کرده باشد. پیروزی نهایی آن است که جامعه دوباره بتواند به جای انتظار برای بحران بعدی، برای زندگی فردا برنامه‌ریزی کند.

جنگ را بردیم؛ صلح را به فرصت تبدیل کنیم

محمد سالاری
دبیرکل حزب همبستگی ایران اسلامی

با آغاز جنگ ۴۰ روزه تا به امروز، حضور مردم در خیابان‌ها و میادین در حمایت از کشور، اقدامی مهم بود؛ اما حتی آن بخش از جامعه که به خیابان نیامد و به فراخوان‌های نیروهای خارجی و جریان‌های وابسته به آنها توجه نکرد نیز در دفاع از ایران و تمامیت ارضی کشور نقش مهمی ایفا کرد. در نهایت، نیروهای مسلح کشور با مقاومت و تاب‌آوری کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر، در برابر یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی و اقتصادی جهان ایستادگی کردند. نتیجه این تاب‌آوری آن بود که حتی در افکارعمومی جهان و میان برخی سیاستمداران کشورهای متجاوز نیز ایران به‌عنوان طرفی که توانست در برابراین فشار ایستادگی کند، پیروز میدان تلقی شد؛ هرچند این جنگ خسارت‌های گسترده جانی و مالی بر کشور تحمیل کرد.

اما اکنون مسأله مهم، نحوه استفاده از دستاوردهای جنگ است. پس از جنگ، در فرآیندی قانونی و در شورای‌عالی امنیت ملی، با محوریت رئیس جمهوری تفاهمنامه‌ای مورد موافقت اعضای شورا قرار گرفت و به تأیید رهبری نظام نیز رسید. بنابراین، این تصمیم را باید تصمیم رسمی جمهوری اسلامی ایران دانست.

نقطه قابل تأمل آن جاست که چگونه ممکن است یک سیاست رسمی در کشور اتخاذ، ابلاغ و تأیید شود، اما برخی جریان‌ها و افراد، اغلب از سر ناآگاهی، در مسیر زیرسوال بردن آن حرکت کنند؟ انتقادها نسبت به سیاست‌ها و تصمیم‌ها امری پذیرفته و یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی است. اما مساله این است که وقتی انتقادی، به‌ویژه با رویکرد زیرسوال بردن اصل تصمیم و نهادهای تصمیم‌گیر انجام می‌شود، باید نسبت به آن تامل کرد. زیرا چنین اقدامی در زمان جنگ و تهدید دشمن، می‌تواند باعث تضعیف و ایجاد شکاف در پشت جبهه‌های نبرد شود.

به رغم همه اینها، امروز آنچه رئیس جمهوری و برخی دیگر از مسئولان، از جمله رئیس تیم مذاکره‌کننده، درباره ضرورت دیپلماسی و استفاده از فرصت موجود مطرح می‌کنند، ناظر بر یک واقعیت مهم است: در عصر رسانه، روایت و بهره‌برداری از روایت هم بخشی از صحنه جنگ است. به دیگر سخن، وقتی کشوری در عرصه نظامی به پیروزی رسیده است، چیزی که همه جهان درباره ایران بر آن اذعان دارند، باید در عرصه دیپلماسی و رسانه نیز به گونه‌ای رفتار کرد تا این پیروزی تثبیت و حقانیت ایران در اذهان جهانیان ماندگار شود.

در این شرایط، قابل کتمان نیست که یک جریان افراطی که عمدتاً خارج‌نشین هستند، بازگشت به گذشته و حتی تجاوز نیروهای خارجی و براندازی را راه‌حل مشکلات ایران معرفی می‌کند. این میان، برخی جریان‌های منتقد داخلی باید هوشیار باشند که انتقادها یا گزاره‌های مطرح شده از سوی آنان، به گونه‌ای نباشد که سیاست تداوم جنگ که خواسته جریان‌های خارج‌نشین و رژیم‌های متخاصم است تقویت کند.

زیرا امروز، هرچند هیچ اعتمادی به دشمن نیست، اما باید این را نیز درنظر داشت که دور کردن کشور از مسیر دیپلماسی، می‌تواند، دست‌کم در حوزه رسانه‌ای و تبلیغاتی، به بهانه‌ای برای دولت‌های متخاصم در زمینه تداوم فشار خارجی و بسته ماندن مسیرهای توسعه اقتصادی عمل کند.

در چنین شرایطی، وظیفه نیروهای سیاسی و اجتماعی و همچنین حکمرانانی که به دنبال حل مشکلات کشور و بهبود وضعیت زندگی مردم هستند، آن است که تصمیم و رویکرد درست را اتخاذ کنند و درپیش بگیرند و اجازه ندهند مدیریت روایت آنچه امروز در تقابل فراگیر آمریکا و ایران درحال وقوع است، از دست ایران خارج شود. از جنبه‌ای دیگر، اگر مسیر دیپلماسی با هوشمندی ادامه پیدا کند، می‌توان از ظرفیت تفاهم و مذاکره برای کاهش یا رفع بخشی از تحریم‌ها استفاده کرد و دریچه‌ای تازه به سوی توسعه اقتصادی گشود. به روایت همه جهان، ایران تا امروز پیروز این جنگ بوده است، اما باید توجه داشت که پیروزی نظامی در میدان رزم، زمانی به یک دستاورد در میدان اقتصادی تبدیل می‌شود که بتوان آثار آن را در اقتصاد، معیشت و زندگی مردم نیز مشاهده کرد. کشوری که توانسته در برابر فشار نظامی ایستادگی کند، باید و می‌تواند از فرصت ایجاد شده برای کاهش فشارهای اقتصادی نیز استفاده کند.

از همین منظر، اداره کشور در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» نمی‌تواند یک راهبرد پایدار باشد. زیرا تداوم چنین شرایطی در عمل به معنای استمرار تحریم، کاهش سرمایه‌گذاری و منابع و افزایش فشار بر معیشت است. مسئولان اجرایی می‌دانند که کشور نباید برای مدت نامحدود در وضعیت بلاتکلیف میان جنگ و صلح باقی بماند. اکنون فرصت آن است که کشور از دستاورد مقاومت و پیروزی نظامی برای دستیابی به یک دستاورد دیپلماتیک و سپس اقتصادی استفاده کند. تبدیل پیروزی نظامی به پیروزی اقتصادی از مسیر دیپلماسی هوشمندانه، کاهش فشارهای خارجی، ایجاد ثبات و بازگرداندن اعتماد به اقتصاد امکان‌پذیر است. به عبارت دقیق، باید در عرصه دیپلماسی هم دشمن را به شکست قطعی کشاند.

مذاکره پایان هر جنگی است

ماشاالله شمس‌الواعظین
روزنامه‌نگار پیشکسوت

مطابق همه قواعد شناخته شده بشری، جنگ برای جنگ، بی‌معناست زیرا در نهایت جز ویرانی و تلفات بی‌فرجام نتیجه‌ای ندارد. اما مساله این است که این وضعیت، چیزی نیست که ایران خواهان آن باشد، بلکه طرحی بیرونی است که باید به هر وسیله‌ای آن را خنثی کرد. از این رو، مذاکره در سایه قدرت نظامی و همزمان با آن، می‌تواند به نتیجه‌ای پایدار منجر شود. در واقع، دستاوردهای میدان جنگ، ماهیتی تاکتیکی و مرحله‌به‌مرحله دارند و هنر دیپلماسی این است که این دستاوردهای جزئی را به امتیازات سیاسی و راهبردی تبدیل کند. انباشت موفقیت‌های نظامی زمانی ارزش نهایی خود را نشان می‌دهد که پشت میز مذاکره به قدرت چانه‌زنی و دستاورد استراتژیک تبدیل شود. تاریخ جنگ‌ها نیز الگوی دیگری برای پایان منازعات نشان نمی‌دهد. حتی در جنگ‌های کلاسیک و نبردهای قرون گذشته، پس از کشورگشایی، تصرف سرزمین و کسب برتری نظامی، مذاکره انجام می‌شد. مذاکرات حین یا پس از جنگ در حقیقت تجلی قدرت دفاعی و تهاجمی طرفین بود. بنابراین اگر مذاکره را کنار بگذاریم، چگونه می‌توانیم دستاوردهای نظامی خود را به پیروزی سیاسی تبدیل کنیم؟ پیروزی صرفاً در میدان به پایان نمی‌رسد، بلکه زمانی پیروزی کامل می‌شود که بتوان نتایج آن را در قالب توافقی سیاسی و راهبردی تثبیت کرد. با این حال، تصمیم‌گیری درباره ادامه جنگ، توقف آن یا جزئیات عملیات نظامی، موضوعی تخصصی است و نباید به عرصه عمومی منتقل شود. افکار عمومی و همبستگی ملی برای موفقیت در جنگ ضروری‌اند اما تصمیم درباره مسائلی مانند نوع تجهیزات، موشک یا هواپیما و سایر جزئیات عملیاتی باید در اختیار کارشناسان و نهادهای حرفه‌ای باشد. عمومی شدن این اطلاعات می‌تواند توانمندی‌ها و برنامه‌های راهبردی کشور را آشکار کند و عنصر غافلگیری را از بین ببرد.

در ایران، شورای عالی امنیت ملی مسئول ایجاد هماهنگی میان نیروهای نظامی، دستگاه دیپلماسی و سایر بخش‌های مرتبط است و با ارزیابی شرایط جبهه‌ها، توان داخلی و وضعیت دشمن، درباره زمان و نحوه ورود به مذاکره تصمیم می‌گیرد. در دیگر کشورها نیز نهادهای مشابهی وجود دارند که پس از رسیدن به اجماع، تصمیمات راهبردی را اجرا می‌کنند و از پشتیبانی ملی برخوردار می‌شوند. بنابراین افکار عمومی باید پشتیبان تصمیمات کلان باشند، نه تعیین‌کننده خط مشی جنگ و صلح. تصمیمات اخیر درباره افزایش سقف شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز را نیز می‌توان نمونه‌ای از همین نگاه کارشناسی جمعی دانست. یکی از مشکلات جدی، نبود شناخت کافی از پروتکل‌های دوران جنگ در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور است. رسانه‌ها باید برای جامعه روشن کنند که در شرایط جنگی چه رفتاری ضروری، چه موضوعاتی محدود و چه مسائلی محرمانه است. در چنین شرایطی، وحدت نظر، فرماندهی و کنترل اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. حوزه‌های فعال در سیاست داخلی نیز باید دیدگاه‌های خود را از مسیرهای رسمی و تخصصی به نهادهای تصمیم‌ساز منتقل کنند و از شعارهای نامتناسب با واقعیات و تصمیمات هزینه‌ساز پرهیز کنند. جنگ شوخی نیست و سرنوشت ملت و آینده کشور را برای دهه‌ها تعیین می‌کند. از این رو، انسجام ملی باید هم در میان مردم و هم در ساختار سیاسی کشور حفظ شود. در کنار پشتیبانی عمومی، دستگاه‌های مسئول نیز باید از اتخاذ تصمیم یا بیان سخنی که احتمال ایجاد شکاف و گسل در جامعه دارد نیز اجتناب کنند. تصمیم درباره جنگ و صلح باید در ساختارهای تخصصی و محرمانه اتخاذ شود و اراده عمومی نیز از مسیر همین نهادهای قانونی و تصمیم‌گیرنده به مرحله عمل برسد. تنها با چنین ترکیبی از قدرت نظامی، دیپلماسی، تخصص، محرمانگی و انسجام ملی می‌توان هزینه‌های جنگ را کنترل و دستاوردهای آن را به نتایجی پایدار برای کشور تبدیل کرد. بنابراین اگر جمع‌بندی فرآیندهای تصمیم‌گیری در کشور به پایان جنگ رسیده است، دیگر مجموعه‌ها هم باید به چنین تصمیمی احترام بگذارند و آن را بپذیرند.

آگهی مناقصه عمومی

SPSCO. پارس فولاد سبزوار

شرکت پارس فولاد سبزوار (سهامی عام) در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی، **«دستگاه توده شکن بریکت‌سازی»** مورد نیاز خود را خریداری نماید. از کلیه واجدین شرایط دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد و مشخصات فنی، تا پایان مهلت مقرر درج شده در سامانه ذی‌نفعان شرکت پارس فولاد سبزوار به آدرس اینترنتی srm.spsco.ir اقدام نمایند.

مراحل دریافت اسناد و ثبت پیشنهاد:

۱. جهت دریافت اسناد، مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیون ریال) به‌شماره حساب زیر واریز گردد:
شماره شبا: IR۰۷۰۵۴۰۱۰۰۲۸۳۰۰۰۰۲۲۳۱۰۰۶ (بانک پارسیان)

۲. پس از دریافت اسناد، پیشنهادهای فنی و مالی باید به‌صورت مجزا در قالب پاکت‌های (الف - ب - ج) در سامانه مذکور بارگذاری شوند.

شرایط و ملاحظات مهم:

- **تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیارد ریال) می‌باشد که باید به‌صورت چک صیادی بانکی ارائه گردد.
- شرکت پارس فولاد سبزوار در هر مرحله از فرآیند خرید، نسبت به تأیید یا عدم تأیید هر یک از پیشنهادات و یا خرید بخشی از کالا، مختار است.
- **پشتیبانی سامانه:** درصورت عدم امکان ثبت‌نام در سامانه ذینفعان، لطفاً با شماره تلفن ۰۵۱۴۴۰۲۴۷۶۰ تماس حاصل فرمایید.
- کلیه هزینه‌های مربوط به چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

SPSCO. پارس فولاد سبزوار

شرکت پارس فولاد سبزوار در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی تک مرحله‌ای با موضوع: **«خرید قطعات یدکی سیستم ریلی "زبانه چپ/راست سوزن چپگرد/راستگرد، صفحه سرسره سوزن و..."»** مورد نیاز خود را واگذار نماید. از کلیه واجدین شرایط دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد و مشخصات فنی، تا پایان مهلت مقرر درج شده در سامانه ذی‌نفعان شرکت پارس فولاد سبزوار به آدرس اینترنتی srm.spsco.ir اقدام نمایند.

مراحل دریافت اسناد و ثبت پیشنهاد:

۱. جهت دریافت اسناد، مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیون ریال) به‌شماره حساب زیر واریز گردد:
شماره شبا: IR۰۷۰۵۴۰۱۰۰۲۸۳۰۰۰۰۲۲۳۱۰۰۶ (بانک پارسیان)

۲. پس از دریافت اسناد، پیشنهادهای فنی و مالی باید به‌صورت مجزا در قالب پاکت‌های (الف- ب - ج) در سامانه مذکور بارگذاری شوند.

شرایط و ملاحظات مهم:

- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۱,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یازده میلیارد و صد و پنجاه میلیون ریال) است و به‌صورت چک صیادی بانکی می‌باشد.
- شرکت پارس فولاد سبزوار در هر مرحله از فرآیند خرید، نسبت به تأیید یا عدم تأیید هر یک از پیشنهادات و یا خرید بخشی از کالا، مختار است.
- **پشتیبانی سامانه:** درصورت عدم امکان ثبت‌نام در سامانه ذینفعان، لطفاً با شماره تلفن ۰۵۱۴۴۰۲۴۷۶۰ تماس حاصل فرمایید.
- کلیه هزینه‌های مربوط به چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.